

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ سطح فروملی

ابوالقاسم بحرودی*
یعقوب توکلی**
حسین ارجینی***

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های جاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، کشف ماهیت، زمینه‌ها، و پیامدهای مناسبات همگرایی سعودی - صهیونیستی است. مطابق با دیدگاه باری بوزان و در بستر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در کنار متغیرهای بین‌المللی، منطقه‌ای، و بینا منطقه‌ای، شناسایی متغیرهای سطح فروملی سعودی - صهیونیستی که بر این مناسبات تأثیرگذار هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پاسخ به این پرسش که متغیرهای مورد انتظار در سطح فروملی کدام‌ها هستند، این فرضیه مطرح می‌شود که شکاف‌های اجتماعی، دینی، قومیتی؛ ضعف‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی - نظامی، و ژئوپلیتیک در درون جوامع سعودی و صهیونیستی مقوم این همگرایی هستند. یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید فرضیه مذکور، نشان می‌دهد که در سطح فروملی عربستان تبعات وجود حرمین شریفین، وهابیت، استبداد، و اختلافات حاکمیتی؛ و در سطح فروملی رژیم صهیونیستی، وجود دولت امنیتی، جغرافیای سیاسی - سرزمینی، بحران هویت، شکاف‌های اجتماعی و تأثیر ضعف اقتصادی بر محدودسازی توان نظامی، بیش از سایر عوامل درونی، بر همگرایی دو رژیم تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی

عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، همگرایی، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بوزان.

*. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم (نویسنده مسئول).
bahru110@gmail.com
tavakoli@maaref.ac.ir
arjini@maaref.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۶

** دانشیار گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم.
*** دانشیار گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۲

مقدمه

نزاع و درگیری در میان نیروهای حاضر در منطقه غرب آسیا و یا میان آنها با نیروهای فرمانطقه‌ای سابقه‌ای طولانی و مداوم دارد. اختلافات گسترده و عمیق میان واحدهای موجود در منطقه، اعم از اختلافات هویتی - منفعتی، همچنان رو به تزايد بوده و موجب پدیدار شدن بحران‌های پی‌درپی در سطوح فروملی و فراملی است، که یکی پس از دیگری برای واحدهای موجود در این منطقه رخ می‌دهد. وقوع این بحران‌های متوالی، همواره مانع از تثبیت نظم و هارمونی منطقه‌ای بوده است؛ به گونه‌ای که بعد از فروکش کردن یک بحران و درحالی‌که هنوز نظم نوپدید تثبیت نشده، شاهد بروز بحران دیگری هستیم که چارچوب قدرت و نظم‌های موجود را متأثر می‌سازد. اختلافات در این منطقه همواره ذاتی معماگونه داشته و در قیاس با تحولات سایر مناطق از پیچیدگی کم‌نظیری رنج می‌برد.

ضرورت تبیین ماهیت تحولات غرب آسیا بدین جهت که جمهوری اسلامی در این محیط دارای قطبش منطقه‌ای است و توانسته محوری از واحدهای همسو را علیه محور سازش، بر گرد خود شکل دهد، بدیهی است. همچنین تردیدی وجود ندارد علوم سیاسی، علوم آینده‌نگر شمرده می‌شوند که با تحلیل گذشته و حال، مسئولیت ترسیم و یا حتی تغییر آینده را به دوش می‌کشند. اهمیت پژوهش حاضر با تعمق در نقش منطقه‌ای دو رژیم سعودی و صهیونیستی و تأثیراتی که بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی دارد نیز قابلیت توضیح دارد.

پیشینه پر بار پژوهش‌های موجود درباره موضوع هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی نشان می‌دهد این موضوع جزو مسائلی است که محققان را در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، محیط‌زیستی و ... به خود مشغول داشته است. برخی از این آثار به قرار زیر است:

کتاب *اتحاد سعودی - صهیونی* نوشته سجاد مرادی کلارده از این موارد است که تلاش کرده روابط دو رژیم را بر مبنای راهبردهای واقع‌گرایانه و سودای انگیزه‌های محافظه‌کارانه بررسی نماید.

مقاله «موازنه همه‌جانبه» و ائتلاف‌سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، اثر سیفی و پورحسن اظهار می‌دارد که یکی از بازیگران محوری در ائتلاف‌سازی‌ها علیه جمهوری اسلامی، عربستان سعودی است. آنچه سعودی‌ها را به این سمت سوق داده موضوعی است تحت عنوان «موازنه همه‌جانبه».

احمد زارعان در مقاله «تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت» تهدیدها و فرصت‌های این عادی‌سازی را برای جبهه مقاومت بررسی نموده است.

کاظمی و همکاران در مقاله «تحلیلی بر روابط راهبردهای عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی» امکان تعمیق و گسترش مناسبات هم‌گرایانه دو رژیم را بررسی کرده‌اند.

زارعی در مقاله «ریاض - تل‌آویو؛ بنیاد و نتایج مناسبات سیاسی و امنیت» تصریح می‌کند که دو رژیم از ابتدا در نتیجه اراده قدرت‌های استعماری ایجاد شده‌اند. بنابراین سعودی‌ها هیچ‌گاه رژیم صهیونیستی را به دیده دشمن جدی نگاه نمی‌کند.

حال سؤال این است که با وجود این همه پژوهش‌های صورت‌گرفته، امتیاز پژوهش پیش‌رو در چیست؟ پاسخ این است که اولاً با توجه به سریع بودن تحولات در منطقه غرب آسیا، به‌روزرسانی روندهای موجود و تحلیل رویدادهای نوپدید - که کم هم نیستند - امری ضروری است. از سوی دیگر، استفاده از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امتیاز این پژوهش را نسبت به کارهای مشابه پیشینه می‌نماید. تمرکز بر متغیرهای سطح فراملی دو رژیم که هم‌گرایی آن دو را توجیه می‌کند، مزیت دیگر این تحقیق است. سؤال اصلی این است که متغیرهای تأثیرگذار در سطح فراملی رژیم‌های سعودی - صهیونیستی بر هم‌گرایی دو رژیم کدام است؟

فرضیه پژوهش این است که هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی، دارای ابعادی آگاهانه است که به‌طور کلی مربوط به اراده دولت‌های دو طرف می‌باشد. در کنار سایر عواملی که در سطوح منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای، و بین‌المللی هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی را ضروری می‌نماید، دو دولت یادشده با درون نظر داشتن ضعف‌های سطح فراملی خود، از میزان نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در درون مرزهای خود نگران هستند. این دو با محاسبه هزینه - فایده و با هدف مبارزه و خنثی‌سازی بازتاب‌های آموزه‌ها، ارزش‌ها و فعالیت‌های محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران، در مسیر هم‌گرایی قرار دارند.

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی است. بدیهی است ابزار آن هم فیش‌برداری از آثار پژوهشی، نرم‌افزارهای علمی و استفاده از پایگاه‌های علمی اینترنتی است. به‌طورکلی در این نوشتار همانند بیشتر پژوهش‌هایی که کتابخانه‌ای و نظری هستند و اطلاعات به‌وسیله ابزارهای سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری می‌شوند، روش توصیفی - تحلیلی مورد کاربست قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

۱.۱. رصد

واژه «رصد» بر معانی و اعمال متعددی دلالت دارد که بسته به زمینه کاربست آن تفاوت دارند، اما در کل، معنا و مضمون مشخصی را به ذهن متبادر می‌سازند. کاربست‌های معنایی صورت گرفته حول واژه رصد، همسو و مکمل یکدیگرند و می‌توان تمام آنها را با وجود تفاوت‌های ظاهری، از یک خانواده

دانست. برای فهم زمینه مفهومی این واژه، باید به فرهنگ‌های واژگان از گذشته گرفته تا معاصر و آثار نویسندگان، حکما، دیوان‌های شعرا و دیگر آثار نگاشته‌شده پیرامون علم نجوم مراجعه کرد و نسبت به کاربردهای آن شناخت بهتری به‌دست آورد. (عنبری، ۱۳۸۸: ۴) رصد با مفاهیمی مانند نظر دوختن، مراقبت، نگهبانی و نظارت معنا می‌شود.^۱ بنابراین رصد را می‌توان به سه معنا ترجمه کرد: «نظارت، پایش و تحلیل». (همان: ۳۰)

رصد را می‌توان به دوگونه مشاهده‌گر و مداخله‌گر تقسیم کرد. در نوع مشاهده‌گر، ما موضوع را صرفاً پایش می‌کنیم اما دخالتی در تکوین موضوع نخواهیم داشت. در این قسم، ما احتمالاً سوبه‌های آینده‌نگر هم داشته باشیم و سمت‌وسوی تحولات را پیش‌بینی کنیم، اما در رصد مداخله‌گر - که می‌شود آن را رصد آینده‌نگار نیز نام نهاد - علاوه بر پایش، مداخله هم وجود دارد. که تفاوتش با رصد آینده‌نگر در این است که برای آینده، سناریو می‌نویسد. به این معنا که ما براساس اسناد بالادستی پیش‌بینی می‌کنیم که در دهه‌های آینده با چه وضعیتی روبه‌رو می‌شویم. به عبارتی، ابتدا وضع موجود را شناسایی می‌کنیم و بعد به بررسی متغیرهای غیرقابل کنترل می‌پردازیم.

۲. هم‌گرایی

واحد‌های سیاسی با توجه به غایات، انگیزه‌ها و منافع - مضاری که دارند در حالت همکاری و تعارض با یکدیگر به سر می‌برند. تعاملات هر واحدی با سایر نیروهای حاضر در سطح بین‌الملل با توجه به مبانی، جهان‌بینی‌ها، نگرش‌ها، داده‌های دریافتی از محیط بیرونی، نیازها، اهداف، منابع، و سایر ملاحظات آنها دارای تبعات و پیامدهای مختلفی خواهد بود که نتیجه آن شکل‌گیری همکاری‌ها یا تضادها در عرصه سیاست بین‌الملل است. تئوری هم‌گرایی، تمرکز خود را در اشتراک‌مسابی و همکاری میان واحد‌های سیاسی قرار می‌دهد.

در توصیف محیط شکل‌دهنده روابط بین دو واحد سیاسی ما با فراوانی واژه‌ها روبرو هستیم، به‌گونه‌ای که در توصیف محیط واگرایی، واژه‌هایی از قبیل تعارض، تخصم، تزاخم، تنازع، تعارض، و تعابیری از قبیل تنش، بحران، و چالش، گاه به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند. این امر درباره محیط هم‌گرایی هم صدق می‌کند.

در اشاره به این محیط ما مفاهیمی مشابه داریم که به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند: اتحاد،^۲ اتفاق،^۳

۱. ر. ک، به: سایت واژه‌یاب: vajehyab.com ذیل واژه رصد.

2. Alliance.

3. Alignment.

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ ... □ ۱۰۱

و ائتلاف.^۱ گرچه می‌توان با اندکی تسامح استفاده هر یک از این سه مفهوم را به جای دیگری بلامانع انگاشت ولی تمایزاتی هم برای این سه مفهوم برشمرده‌اند. روشن است که در عموم پژوهش‌های مرسوم در حوزه مسائل امنیتی، این تفاوت معنای لغوی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و البته ضروری هم نمی‌زند. هم‌گرایی، به‌عنوان مفهومی نزدیک به مفاهیم پیشین همچون وحدت، اتحاد، اتفاق، و ائتلاف، وضعیتی است که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و یا کشورها برای حفظ منافع جمعی به همکاری گسترده با یکدیگر بپردازند و به‌سوی نوعی وحدت گام بردارند. هم‌گرایی، اساس شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌توان رد پای آن را در نوشته‌های ارسطو، افلاطون، اگوستین قدیس، ابن‌خلدون و هگل دید. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲۳ - ۲۲)

از منظر تاریخی مسئله هم‌گرایی از اوایل قرن هفدهم و بر اثر پیامدهای جنگ جهانی اول در اروپا مطرح شد. این مفهوم عمدتاً از ۱۹۴۵ میلادی در چارچوب منطقه‌گرایی مورد توجه قرار گرفت و صاحب‌نظرانی چون دیوید میتزانی، کارل دویچ و ارنست هاس گام‌های مؤثری در مطالعه هم‌گرایی در سیاست بین‌الملل برداشتند. در فضای تعاملات بین‌المللی امروزی - که با تحولات در نظریه‌پردازی و تقویت ساختارهای اجرایی بین‌المللی همراه بوده است - همکاری و هم‌گرایی یک التزام اجتناب‌ناپذیر در سطح بین‌الملل به‌نظر می‌رسد. تئوری هم‌گرایی مانند سایر موضوعات در علوم اجتماعی پدیده‌ای نسبی است. (صابری، ۱۳۹۴: ۲۱ - ۱۷)

۳. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

پژوهشگران همواره در تلاش‌اند تا نظریات و مکاتب متعدد مطالعه روابط بین‌الملل را روزآمد و بهینه سازند. تلاش‌های مکتب کپنهاگ با حضور افرادی نظیر باری بوزان، در این مسیر بسیار به چشم آمده است. از دیدگاه باری بوزان نظریات واقع‌گرایانه - که بیشتر مطالعات بین‌الملل بر مبنای آن شکل گرفته‌اند - کاستی‌های جدی دارد. این نقصان به درجه‌ای از وضوح است تا وی آن را به خاطر اینکه سیاست بین‌الملل را صرفاً در کشمکش قدرت خلاصه کرده، متهم به خامی و ناپختگی بسیار کند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱) وی همچنین از زبان ایدئالیست‌ها، الگوی واقع‌گرایان را به‌طور خطرناکی خودپسندانه و بیش از حد متمرکز بر جنگ برشمرده است. (همان: ۲۳) درست برخلاف تحلیل جهانی از امنیت که به عقیده وی م‌لهم از رویکردهای ایدئالیسی و لیبرالیسی، آکنده از تخیل و تغییر است. این انتقادات از نظریه‌های واقع‌گرا و ایدئال‌گرا، باعث شد بوزان به‌همراه همکارانش دست به تدوین نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بزند که در آن تحولات بین‌المللی را نه به‌طور کلی ناشی از تغییرات در سطح سیستمیک می‌داند و نه ناشی از اراده

1. Coalition.

صرف و استقلالی واحدهای سیاسی. در نگاه نورئالیستی سه سطح تحلیل فروملی، فرا ملی، و بین‌المللی مدنظر بود و بر بُعد بین‌الملل آن نیز تأکید بسیار شده بود. اما پس از این نظریه، بُعد منطقه‌ای نیز به‌عنوان حلقه چهارم به اینها اضافه می‌شود که در آن بر اهمیت مناطق تأکید شده و آن را پاسخ‌گوی بسیاری از دشواری‌های موجود در امنیت بین‌الملل می‌شمارد. (بوزان، ۱۳۸۸: ۵۱) او سطح تحلیل منطقه‌ای را به‌خاطر توجه به مواردی چون پویایی، برداشتهای تغییریابنده، تحول امور، تبار تاریخی، موقعیت جغرافیایی، و به‌طور کلی خصلت تکوینی قضایا و گزاره‌ها مقدم می‌دارد. (نصری، ۱۳۸۳: ۳۴۳)

بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند:

مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای عمده امنیتی کردن یا غیر امنیتی کردن آنها تا اندازه‌ای در هم تنیده شده که مسائل و مشکلات امنیتی نمی‌توانند جدای از یکدیگر تحلیل شوند. (همان: ۵۵)

مسئله دیگر، ساختار گوهری مجموعه امنیتی است که متشکل و متأثر از سه عامل است: آرایش واحدها و تمایز میان آنها، الگوهای دوستی و دشمنی، و توزیع قدرت میان واحدهای اصلی. (همو، ۱۳۹۰: ۱۲۰ - ۱۱۸)

بوزان در کتاب *مناطق و قدرت‌ها*، خاورمیانه را شامل کشورهای عضو همکاری خلیج فارس، عراق، ایران و سوریه می‌داند. او کشورهایی مانند ترکیه و افغانستان را در عداد مجموعه امنیتی خاورمیانه نمی‌داند حتی کشورهای غرب خاورمیانه و شمال آفریقا را هم در آن نمی‌گنجانند. بنابراین وی در منطقه خاورمیانه دو کشور ایران و عربستان سعودی را به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای معرفی می‌کند، که هر کدام قدرت اقتصادی، نظامی و فرهنگی مخصوص به خود را دارند و می‌توانند در کشورهای دیگر منطقه نفوذ سیاسی و فرهنگی کنند، و اسرائیل را مورد اشاره قرار نمی‌دهد. (Buzan & Wæver, 2003: 71)

اما او در کتاب ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ، اسرائیل را نیز به‌عنوان قدرت سوم در منطقه خاورمیانه اضافه نموده است. (Buzan & Wæver, 2004: 55) احتمالاً این بدان علت است که وی مجموعه‌های امنیتی را دائماً در حال تغییر و قبض و بسط می‌داند. البته ما نیز همانند بوزان، در این نوشتار خود را در چارچوب تعریف وی گرفتار نمی‌کنیم، و به‌طور ویژه غرب خاورمیانه و مصر را هم در این مجموعه امنیتی دخیل می‌کنیم.

پس مطابق با نظر بوزان، جمهوری اسلامی ایران، در کنار دو رژیم سعودی - صهیونیستی سه ضلع تشکیل و یا تغییر ساختار گوهری مجموعه امنیتی منطقه خاورمیانه هستند. هر سه دولت مصمم هستند با دگرگونی در آرایش واحدهای منطقه و تمایز میان آنها، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی، و تغییر در میزان

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ ... □ ۱۰۳

و شیوه توزیع قدرت در میان واحدهای اصلی منطقه، گوهر جدید مجموعه امنیتی منطقه خاورمیانه را به سود محور خود و به زیان محور مقابل تغییر بدهند. در این راستا علاوه بر اینکه دو رژیم تلقی مشترکی از خطر ایران دارند، تعریف حوزه‌ای از منافع مشترک شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در دستور کار خود دارند.

بوزان با تفکیک چهار سطح فروملی، منطقه‌ای، بینا منطقه‌ای، و بین‌المللی، برای هر سطح، درصدی از اثرگذاری بر گوهر وجودی مجموعه امنیتی منطقه‌ای قائل است. در این بین او گرچه برای عوامل منطقه‌ای و سیستمی وزن بالایی قائل می‌شود، اما ملاحظات دولت‌ها در سطح فروملی را نیز مورد توجه ویژه قرار می‌دهد. بر این مبنا در مجموعه امنیتی خاورمیانه و به‌منظور واکاوی متغیرهای اثرگذار بر هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی، ضرورت دارد متغیرهای فروملی هر دو رژیم مورد مطالعه قرار گیرد.

متغیرهای مؤثر بر هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی؛ سطح فروملی

در سطح فروملی، درجه انسجام اجتماعی - سیاسی، خشونت داخلی گسترده، فقدان هویت مستقل ملی، اقتدار ملی، و ثبات و نظم دولت‌ها مورد توجه است. اینکه قدرت و ضعف‌شان در چیست؟ و نکته مهم‌تر اینکه دولت‌ها و ملت‌ها تا چه اندازه همسو هستند؟

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ به‌عنوان خاستگاه اصلی بوزان و نو واقع‌گراها، براساس مفهوم تهدید وجودی، موضوع یا هدف مرجع امنیت در بخش‌های پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تعیین می‌کنند. (اسدی، ۱۳۹۰: ۹۴) از دیدگاه بوزان و همکارانش، مهم‌ترین سطح مطالعات در مجموعه امنیتی خاورمیانه، باید سطح منطقه‌ای قلمداد شود، اما محدوده نقش منطقه‌ای هر کشوری به‌نوبه‌خود بدون تأثیرپذیری از مقوله‌های قومی - سرزمینی و نیز پیوندهای فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و مصلحت‌طلبی خاص آن کشور نیست. علاوه بر این فهم مناسبات منطقه‌ای هر کشوری به‌شدت از امکانات، داشته‌ها و منابع داخلی آن کشور متأثر است.

تصمیم‌سازی و نوع انتخاب تصمیم‌گیرندگان در سیاست خارجی، در سطح داخلی اغلب تحت‌تأثیر ملاحظات هنجاری، اختلاف‌های جناحی و تفاوت‌های رویکردی جریان‌های سیاسی حاکم قرار دارد. (حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۰)

ثبات یا بی‌ثباتی درونی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، و رویکرد این دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی، دو عامل مهمی هستند که بر ماهیت، شکل و شدت تهدیدهای آنها و نیز هم‌گرایی آنها درخصوص جمهوری اسلامی ایران اثرگذاری بالایی دارند. درک این مسئله سخت نیست که دولت‌ها در

کشورهای در حال توسعه، در مقابل تهدیداتی که حکومت و حتی بقای آنها را تهدید می‌کند، با هم متحد می‌شوند. (David, 1991: 236)

درباره تأثیر متغیرهای درونی عربستان سعودی بر سیاست خارجی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران و تهاجمی شدن رویکرد ریاض در سالیان اخیر و همچنین هم‌گرایی این رژیم با رژیم صهیونیستی چند نگرش قابل تصور است.

در نگرش اول، یکی از علل اصلی تهاجمی شدن رویکرد سعودی‌ها و نیز هم‌گرایی با صهیونیسم، شدت گرفتن بحران‌ها و مشکلات داخلی و در نتیجه تلاش برای بزرگ‌نمایی تهدید جمهوری اسلامی ایران یا ایجاد دشمن فرضی در جهت عبور از مشکلات یا سرپوش گذاشتن بر آنها محسوب می‌شود. دیدگاه دوم می‌تواند این باشد که عربستان به دلیل دارا بودن مؤلفه‌های مختلف قدرت و همچنین ثبات مداوم در طول دهه‌های متوالی در شرایطی که اغلب کشورهای عربی با بحران‌های شدید مواجه هستند به سوی ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و تبدیل شدن به رهبر جهان عرب حرکت کرده است، اما برای کسب و تثبیت این جایگاه نیازمند به همراهی امریکا در سطح بین‌المللی و رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای است.

در اینجا می‌توان دیدگاه سوم را نیز مطرح ساخت؛ بدین مفهوم که برجسته شدن تهدید ایران در سیاست خارجی عربستان و اتخاذ رویکرد تهاجمی - ائتلافی با رژیم صهیونیستی در مقابل تهران از سوی ریاض در دوره ملک سلمان و ولیعهد محمد، برآیندی از عوامل مختلف از جمله ضعف‌های داخلی به‌ویژه مشکلات ناشی از روند انتقال قدرت به نسل جدید رهبران و به‌طور مشخص بن سلمان، دیدگاه و درک نخبگان جدید سیاسی درخصوص شرایط منطقه و نقش منطقه‌ای ایران و همچنین ظرفیت‌های قدرت عربستان در شرایط اخیر منطقه‌ای است. بر این اساس است که برجسته‌سازی تهدید ایران و سیاست خارجی تهاجمی محمد بن سلمان به‌عنوان پاسخی مناسب درخصوص هر سه مؤلفه یادشده محسوب می‌شود. تداوم این شرایط به مفهوم تداوم رویکرد تهاجمی عربستان در قبال ایران است. با این حال در صورتی که روند انتقال قدرت در عربستان تضعیف شود یا اینکه چالش‌های مهم داخلی در این کشور ایجاد شود، احتمال می‌رود رویکرد تهاجمی - ائتلافی عربستان با رژیم صهیونیستی در قبال ایران با تغییرهایی همراه شود و تهدیدهای ریاض در قبال ایران دگرگون و یا کم‌شدت شود. به هر روی میزان ثبات و یا عدم ثبات داخلی عربستان سعودی مستقیماً بر این موضوع تأثیر می‌گذارد که نسبت به ایران سیاست تهاجمی اتخاذ کند و یا رفتار مسالمت‌آمیزی را پیشه نماید.

از سوی دیگر میزان علاقه‌مندی ریاض به اتخاذ رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی خود علیه ایران

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ ... □ ۱۰۵

تأثیر مستقیم دارد بر هم‌گرایی و یا واگرایی‌اش با تل‌آویو. بنابراین عدم ثبات داخلی، همواره عامل مهمی برای نزدیکی دو رژیم شمرده می‌شود. به‌عنوان نمونه در مسئله قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد آل‌سعود، جانب‌داری و کمک‌های اسرائیل به سعودی‌ها محرز است. رژیم اسرائیل با در اختیار گذاشتن سیستم‌های جاسوسی پگاسوس^۱ ساخت شرکت «NSO» به سعودی‌ها در این زمینه دخیل بوده است. نشریه تایمز اسرائیل در مورد موضع‌گیری رژیم صهیونیستی در قبال جنایت سعودی‌ها گزارش داده است که نتانیاهو به مقامات دولت ترامپ گفته است حمایت از بن سلمان و آل‌سعود از سوی آنها نباید قطع شود، زیرا در ائتلاف علیه ایران، بن سلمان شریک استراتژیک اسرائیل شمرده می‌شود.^۲

شبهه همین تحلیل، درباره رژیم صهیونیستی نیز صدق می‌کند. یعنی سران اسرائیل برای پوشش ناهماهنگی‌های داخلی، بسیج عمومی داخلی و اینکه توجهات را از معضلات داخلی به سمت مسائل خارجی منعطف کنند، سیاست خارجی تهاجمی را در دستور کار قرار می‌دهند و نوک حملات این سیاست تهاجمی را هم متوجه جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای جبهه مقاومت می‌کنند. به‌طور مثال یکی از واقعات امروز جامعه اسرائیل بروز جنگ قدرت میان نخبگان صهیونیستی است و در این میان پیشه کردن سیاست خارجی تهاجمی از سوی نتانیاهو، بنت، گانتس و جانشینان آنها بر علیه ایران و محور مقاومت، در راستای کسب و حفظ جایگاه نخست‌وزیری بوده است. یوزی مکلب‌برگ، کارشناس مسائل خاورمیانه در اندیشکده انگلیسی چتم هاوس در این باره معتقد است:

جنگ‌طلب‌تر از نتانیاهو وجود ندارد؛ چراکه او از لفاظی‌های جنگ‌طلبانه با ایران‌گذران زندگی می‌کند و هدفش از این کار فقط باقی‌ماندن بر سر قدرت است.^۳

سطح فراملی عربستان سعودی

در برشمارش آسیب‌های داخلی عربستان که می‌تواند در تهاجمی شدن سیاست خارجی بن سلمان و گرایش‌های سعودی به سمت صهیونیسم اثرگذار باشد، متغیرهای ذیل قابل اشاره است:

۱. وجود حرمین شریفین

وجود حرمین شریفین در مکه و مدینه باعث می‌شود عربستان در کانون توجه همه مسلمانان باشد. این امر علاوه بر آنکه سالیانه درآمد هنگفتی را تقدیم سعودی‌ها می‌کند، به لحاظ فرهنگی - سیاسی

1. Pegasus Spyware.

2. <https://www.timesofisrael.com, Israel Signed off on Sale of Phone Spying Tool to Saudi Arabia, By TOI STAFF and AP ,9/12/2018.>

3. <https://www.alef.ir/news/3980601005.html>

موقعیتی ویژه برای عربستان ایجاد کرده است. در عین حال این مکان‌های مقدس به‌عنوان مهم‌ترین عامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی سعودی‌ها و چالش لجستیک بزرگ نیز مورد شناسایی قرار می‌گیرند. (کسینجر، ۱۳۹۶: ۱۵۱)

تجربه حوادث پیش‌آمده در ایام حج، برگزاری مراسم براثت از مشرکین، و تماس ایرانیان با سایر ملل، در سالیان گذشته نشان داده که جمهوری اسلامی ایران، به حج به‌مانند فرصتی برای تأثیرگذاری بر جهان اسلام به‌ویژه بر افکار عمومی عربستان نگاه می‌کند. و این برای سعودی‌ها مطلوب نیست.

۲. وهابیت دولتی، دولت وهابی

واقعیت این است که حکومت سعودی در سطح داخلی مشروعیت خود را مدیون وهابیت است. این رژیم همان قدر که در خارج از مرزها مشروعیت بین‌المللی‌اش را با حمایت امریکا به‌دست آورده، در سطح فروملی آن را به دوش وهابیت گذاشته است. اما از آنجاکه وهابیت اصیل با اقدامات دین‌ستیزانه سعودی چندان موافق نیست، ممکن است مشروعیت داخلی آل سعود را نیز متزلزل کند. عربستان علی‌رغم اتحاد صوری با مفاهیم وستفالی در سطح بین‌الملل، گرفتار خشک‌مذهبی نهفته در تاریخ این کشور و گرایش‌ها به اسلام‌گرایی افراطی است (همان: ۱۵۳) که می‌تواند از درون این حکومت را به چالش بکشد، و با اقدامات بیرونی را ضریب بدهد.

۳. حاکمیت اقتدارگرا و استبدادی

اقتدارگرایی و استبداد باعث نوعی عقب‌ماندگی سیاسی و به تأخیر افتادن فرآیند گسترش جامعه مدنی و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی شده است. (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۲) این در حالی است که در درون جامعه سعودی طیف‌های مختلفی وجود دارند که تمایل به مشارکت سیاسی - اجتماعی دارند، و موفقیت ایران در الگوسازی از مردم‌سالاری دینی می‌تواند آنها را متوجه این امر نماید.

۴. اختلافات در درون طبقه حاکمان سعودی

مطالعه بافت حاکمیت سیاسی عربستان سعودی حاکی از انشعابات متعددی در بین هیئت حاکمه و در درون خاندان سلطنتی است. این موضوع همواره نقطه ضعف مهمی شمرده شده است؛ زیرا با وجود شاهزادگان پرشمار، آن‌هم با انقطاع‌های نسلی و تغییرات نگرشی عمیق، مسئله جانشینی به‌راحتی حل‌وفصل نخواهد شد. تغییر رویکردهای عربستان سعودی در درون و بیرون از این کشور متعاقب تغییر رهبران آن به خوبی گواه وجود اختلافات در طبقه حاکم است. در زمان فعلی و از سال ۲۰۱۱ م به بعد که جامعه عربستان تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای قرار گرفت، به قدرت رسیدن ملک سلمان و ظهور

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ ... □ ۱۰۷

محمد بن سلمان به عنوان شخصیت محوری نسل جدید رهبران در این کشور، سیاست داخلی و خارجی عربستان را وارد مرحله جدید و متفاوتی کرد. در این دوره عربستان، به نقد و نفی سیاست خارجی دهه های گذشته پرداخت و آن را برای تأمین منافع این کشور در دوره جدید فاقد کارآمدی تلقی کرد.

به عبارت دیگر، از منظر نسل جدید و جوان رهبران سعودی به رهبری بن سلمان سیاست خارجی محافظه کارانه، دنباله رو و واکنشی گذشته فاقد کارایی لازم بوده و ضمن افزایش قدرت منطقه ای رقبای منطقه ای بخصوص ایران به افزایش تهدیدها برای امنیت عربستان و متحدین آن منجر شده است. در نتیجه کنار گذاشتن رویکردهای گذشته سیاست خارجی، تعریف اهداف جدید و اتخاذ راهبردهای نوین براساس شرایط جدید منطقه ضرورت می یابد. (اسدی، ۱۳۹۷: ۶) نسل کنونی سران ارشد خاندان سعود، پتانسیل آن را دارند که ثبات خانوادگی این خاندان را بر هم زنند. (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۴)

علاوه بر اینها موارد ذیل نیز کشور عربستان را مانند جامعه ای بندزده و مصنوعی - که رشد طبیعی ندارد - معرفی می کند:

- شکاف ها و گسل های اجتماعی عربستان سعودی و بافت قبیله ای؛ شکاف های مذهبی به ویژه اقلیت ناهمساز شیعی؛

- انشقاقات درون مذهبی که منجر به شکل گیری طیف های گوناگونی از نووهابی ها، نوسلفی ها، جهادی ها، قطبی ها، و حتی سکولارها شده؛ (علیزاده موسوی، ۱۳۹۰: ۱۹۵ - ۱۷۲)

- وجود اتباع خارجی در عربستان به نوعی که حدود یک سوم جمعیت این کشور را مهاجرین شکل می دهند؛

- اقتصاد رانتیر و تک محصولی که برای تنوع بخشی به آن دانش تکنولوژیک صهیونیست ها مورد توجه سعودی هاست؛ تجربه حملات موشکی انصارالله به آرامکو نشان داد که اگر این اقدامات تکرار شود و یا حملات به تأسیسات دیگری که به نفت وابسته هستند مثل نیروگاه ها و آب شیرین کن ها گسترش یابد، جامعه عربستان آن را تحمل نخواهد کرد.

نیازهای نظامی - امنیتی - اطلاعاتی عربستان و عدم خودکفایی در این باره. عربستان علی رغم اینکه بزرگترین خریدار تسلیحات در سطح جهان شمرده می شود، به دلیل نداشتن دانش و تکنولوژی کافی، می تواند روی کمک های رژیم صهیونیستی بخصوص در برابر ایران حساب باز کند.

بنابراین طبیعی است سعودی ها نگران باشند که با وجود این ضعف ها، خطر اثرگذاری سیاست های ایران بر محیط داخلی این پادشاهی روزی جدی بشود. از دیدگاه سعودی ها خطر ایران بیش از هر چیز متوجه اساس این حکومت است. برای عربستان، نبرد با ایران واقعیتی چشم ناپوشیدنی است. این نبرد متضمن بقای پادشاهی، مشروعیت دولت، و در حقیقت آینده اسلام است. (کسینجر، ۱۳۹۶: ۱۵۷)

سطح فراملی رژیم صهیونیستی

اوضاع اسرائیل در درون سرزمین‌های اشغالی گرچه در برخی جهات شبیه سعودی‌ها نیست، ولی این رژیم نیز از لحاظ داخلی دچار معضلات گوناگونی است. این معضلات در هر سرزمینی به شکل متفاوتی وجود دارد، ولی از آنجاکه سیاست داخلی و خارجی اسرائیل تداخل بالایی با یکدیگر دارد قطعاً آسیب‌های داخلی در این رژیم با آسیب‌هایی که منشأ خارجی دارند تداخل پیدا می‌کند. هنری کسینجر معتقد است که در اسرائیل چیزی با عنوان سیاست خارجی وجود ندارد. در واقع هرچه هست سیاست داخلی است. (الجنیدی، ۱۳۹۳: ۲۳) بنابراین اگر این رژیم از سوی قدرت‌های هم‌جوار - که آن را به محاصره درآورده‌اند - تحت فشار قرار بگیرد بدون شک درون مرزهای سرزمین‌های اشغالی نیز ملتهب خواهد شد.

بزرگترین چالش‌های داخلی رژیم صهیونیستی - که او را مجاب می‌کند به عادی‌سازی مناسبات با سعودی‌ها بپردازد - از این قرار است:

۱. دولت امنیتی شده

رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس با تنگناها و چالش‌های امنیتی مهم و جدی روبرو بوده و امنیت، اصلی‌ترین دغدغه رهبران این رژیم و قدرت‌های فرامنطقه‌ای حامی آن است. اما پس از عدم موفقیت کشورهای عربی در مقابله با رژیم صهیونیستی و پیگیری روند صلح و سازش با این رژیم، هزینه‌های امنیتی آن کاهش یافت. به‌ویژه با انعقاد پیمان صلح بین رژیم اسرائیل و مصر و سپس اردن، این رژیم فرصت زیادی برای تقویت مبانی امنیتی خود و برخورد جدی‌تر با دیگر تهدیدهای امنیتی پیدا کرد. با آغاز خیزش‌های مردمی جهان عرب در سال ۲۰۱۱، رژیم صهیونیستی با دگرگونی‌های عمیقی در محیط امنیتی خود روبرو شد. این تحولات نیز با توجه به ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد تاریخی خود، آغازگر مرحله نوینی در حیات سیاسی - اجتماعی و امنیتی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که پیامدها، فرصت‌ها و چالش‌های خاصی را برای امنیت اسرائیل به همراه دارد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۹۲) رژیم صهیونیستی امیدوار است هم‌گرایی با سعودی‌ها هزینه‌های امنیتی این رژیم را در سطح داخلی کاهش دهد.

۲. جغرافیای سیاسی و سرزمینی

به دلایل روشن، سرزمین، مهم‌ترین ملاحظه در امنیت ملی رژیم صهیونیستی بوده است. سرزمین در نزد صهیونیست‌ها ارزش بالایی دارد؛ زیرا این رژیم از نظر جغرافیایی به‌شدت آسیب‌پذیر است. رژیم صهیونیستی در مرزهای بین‌المللی ۱۹۴۸ قادر نیست مکان را با زمان معاوضه کند؛ نمی‌تواند عقب‌نشینی استراتژیک داشته باشد [به‌ویژه در قلب صنعتی خود]، و از فضای کافی برای اعزام و

رصد متغیرهای مؤثر بر همگرایی سعودی - صهیونیستی بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای؛ ... □ ۱۰۹

مانور نیرو برخوردار نیست [به جز در صحرای جنوبی]. این دلایل، منشأ استراتژیک آرزوی رژیم صهیونیستی برای کنترل بر سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ در کرانه باختری و ارتفاعات جولان بود. کنترل بر این اراضی رژیم صهیونیستی را قادر می‌کرد تا در ازای زمین، زمان بخرد؛ فضا برای اعزام نیرو و مانور داشته باشد و در صورت نیاز عقب‌نشینی کند. (مروم، ۱۳۹۲: ۳۴۴) این تنگنای سرزمینی یکی از مهم‌ترین عوامل تلاش صهیونیست‌ها برای هم‌گرایی با سعودی‌هاست. زیرا هرچه از میزان نامشروع‌انگاری این رژیم کاسته شود، به اقتضای گسترش عمق استراتژیک، خطرات ناشی از ضعف سرزمینی نیز کاهش می‌یابد.

۳. علت وجودی

بعد از مسئله عمق استراتژیک، از مهم‌ترین سؤالات در زمینه جغرافیای سیاسی، پرسش از علت وجودی یک کشور است. منظور از علت وجودی این است که هر کشوری برای حفظ و بقای خود باید به این پرسش پاسخ دهد که این واحد سیاسی چرا باید مستقل و جدا از سایر واحدها وجود داشته باشد. (میرحیدر، ۱۳۵۴: ۵۰) برخی از دولت‌ها مشکلی در اثبات علت وجودی خود ندارند. هویت جغرافیایی - سیاسی آنها مشخص است و ساکنان به اتفاق بر این باورند که به یکدیگر تعلق دارند. بعضی دولت‌ها نیز اندیشه‌ای ضعیف دارند و یا آن را جدیداً ابداع کرده‌اند. معمولاً این‌گونه دولت‌ها به‌طور یک‌جانبه توسط قدرت‌های خارجی و یا ناخواسته موجودیت یافته‌اند. به‌واسطه سست و سطحی بودن علت وجودی، هویت ملی آنها نیز شکننده و نامطمئن است. (کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۶۷۴) یکی از اهداف هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی، مشروعیت دادن به موجودیت اسرائیل و ترمیم ضعف علت وجودی است.

۴. بحران هویت (امنیت جامعه‌ای)

در کنار دغدغه دولت‌ها برای بقاء - که به‌عنوان ابرچالش مطرح می‌شود - بوزان حفظ هویت جامعه‌ای را که هریک از دولت‌ها با آن سروکار دارند نیز مهم و حیاتی دانسته و در کنار امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، آن را بُعد پنجم امنیت ملی برشمرده است. موضوع امنیت جامعه‌ای یا همان هویت، اهمیت کیفی دارد. امنیت جامعه‌ای به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی‌اند، یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست بدهد، دیگر مایی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام شود. این در حالی است که ضعف اقتصاد، عقب‌ماندگی نظامی، ناکارآمدی سیاسی و فاجعه زیست‌محیطی، به‌نحوی قابل احیا هستند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

تجمیع دستوری ملیت‌های مختلف با فرهنگ‌های گوناگون از آسیا، آفریقا، استرالیا، روسیه، اروپا و

امریکا، مسئله‌ای نیست که به راحتی پوشش داده شود. اگرچه ۶۸ درصد^۱ صهیونیست‌های اسرائیلی متولد سرزمین اشغالی هستند و بیشترشان نسل دوم و سوم این رژیم هستند، اما مردم اسرائیل به شدت برحسب کشور آباء و اجدادی خود تقسیم‌بندی شده‌اند و آمار ازدواج نیز در میان قومیت‌های مختلف آنها پایین است. اقوام غالب در این رژیم «اشکنازی» و «مزارخی‌ها» (سفاردی‌ها) هستند. در طول تاریخ این رژیم، یهودیان شرقی (مزارخی‌ها) تحت تبعیض بوده‌اند و شهروند درجه یک محسوب نمی‌شوند. اشکنازی‌ها که طبقه بالادست شمرده می‌شوند تمایل بیشتری به حزب کار و میرتص دارند و سفاردی‌ها که فرودستان، کارگران، یقه آبی‌ها، و مذهبی‌ها را شامل می‌شود تمایل بیشتری به لیکود و احزاب مذهبی دارند. (افتخاری، ۱۳۹۷: ۶۳ - ۶۲) بحران هویت مشکلات عمیقی رقم زده است تا جایی که مناخیم بن ساسون در یک جمله می‌گوید: «دغدغه ملت یهود حفظ هویت یهودی است». (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸: ۲۹۸)

پژوهشگر اسرائیلی آراهام رابینوفیتش این پرسش را مطرح ساخته که:

بالآخره آیا یهودیان موفق خواهند شد با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، یا اینکه شبیه صدوقی‌ها و فریسی‌ها تکه‌تکه خواهند شد؟. (النابلسی، ۱۳۸۸: ۳۹)

یکی دیگر از مهم‌ترین اتفاقاتی که هویت یهودی را تهدید می‌کند، آسیمولاسیون است. به این معنا که یهودیان با اقوام و ملل دیگر مخلوط، همگون و هضم شوند. از سوی دیگر، حضور غیر یهودیان، به‌ویژه اعراب ساکن در سرزمین‌های اشغالی و حقوق آنها روزبه‌روز حادث می‌شود. نادیا هیلو، رئیس کمیته کنیست در امور حقوق کودکان، با اشاره به اینکه تبعیض علیه اعراب رسماً تأیید شده است، می‌گوید:

عرب‌ها در کشور از بیان اینکه خواهان تساوی هستند، خسته شده‌اند. من یک عرب هستم و می‌توان گفت که مشکل من حل نشده است ... در عمل شاهد هستیم که چگونه شکاف اجتماعی میان یهودیان و اعراب افزایش می‌یابد. عموم عرب‌ها خواستار تغییرند ... فقدان تساوی و اعمال تبعیض‌آمیز مشکل عرب‌ها نیست، بلکه مشکل کشور اسرائیل است ... ما عرب اسرائیلی و در بهترین حالت، شهروند درجه دو هستیم. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸: ۳۰۴)

دغدغه اعراب اسرائیلی در حالی است که بسیاری از صهیونیست‌ها مانند نتانیا‌هو تشکیل دولت با اعراب را حتی برای یک لحظه هم غیرممکن می‌دانند. بنی موریس، تاریخ‌دان اسرائیلی متذکر می‌شود که:

۱. این آمار در سال ۲۰۱۹ به ۷۳ درصد رسیده است.

اعراب اسرائیلی «بمب ساعتی» هستند؛ ریزش آنها به سمت فلسطینی شدن کامل، آنها را به فرستادگانی از دشمن تبدیل ساخته است. آنها ستون پنجم بالقوه هستند؛ بنابراین اگر دوباره اسرائیل همانند سال ۱۹۴۸ میلادی خودش را در وضعیت تهدید وجودی ببیند، ممکن است مجبور شود آنچه آن زمان داده را تکرار کند. اگر ما مورد تهاجم مصر (بعد از انقلاب اسلامی در قاهره) و سوریه قرارگیریم و موشک‌های شیمیایی و بیولوژیکی به شهرهایمان بکوبند و هم زمان فلسطینی‌های اسرائیل از پشت به ما حمله کنند می‌توانم وضعیت تبعید از کشور را ببینم.^۱

این در حالی است که استراتژیست‌ها، دولتمردان و کارشناسان برجسته، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بر نقش حیاتی جامعه در استراتژی تأکید کرده‌اند. کلازویتس اساس جنگ را بر مبنای سه‌گانه دولت، ارتش و مردم (جامعه) می‌داند. و مایکل هوارد، «اجتماع» را یکی از چهار بُعد استراتژی می‌خواند. استراتژیست‌های صهیونیست معتقدند که شرط اساسی، ضروری و مورد نیاز برای حفظ امنیت این رژیم، خویشن‌داری داخلی است، و انسجام اجتماعی، مهم‌ترین عنصر امنیت ملی (در این رژیم) به‌شمار می‌رود. همچنین آنان معتقدند هاله‌ای که بر امنیت رژیم صهیونیستی سایه افکنده، شامل بسیاری از موضوعات از جمله تصویر خود جامعه اسرائیلی، کارآمدی و میزان انگیزه‌های اجتماعی آن است. (مروم، ۱۳۹۲: ۳۶۴) اسرائیل، کاملاً بر مبنای خواست تمایل قدرت‌های بزرگ، نه خواست و اراده مردمی شکل گرفته است. بنابراین، از یکپارچگی و هویت ملی واحد - که در اکثر دولت - ملت‌ها از آن صحبت به میان آمده - خبری نیست. (مرادی کلارده، ۱۳۹۷: ۶۷)

معضل دیگر این است که در اسرائیل دولت و جامعه در هم تنیده‌اند و مرزهای سپهر سیاسی و اجتماعی شفاف نیست و تمایز بین فرهنگ و سیاست کم‌رنگ است. صهیونیسم بنیان هویت سیاسی - فرهنگی اسرائیل است که ملت و دولت‌سازی بر پایه آن صورت گرفته است. بنابراین، هم ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به نظام سیاسی اسرائیل می‌باشد و هم عامل تداوم هویت ملی آن در مقابل تهدیدات احتمالی و واقعی. اگر این احتمال واقعی باشد که صهیونیسم از لحاظ هنجاری و ارزش‌های سنتی آن - که شالوده جامعه اسرائیل و نظام سیاسی آن می‌باشد - متزلزل گردد، چه بر سر اسرائیل می‌آید؟ تردید در وثوق و صحت صهیونیسم به معنای شک در فلسفه وجودی اسرائیل است. تهدیدات امنیتی این پدیده - که از آن به پست‌صهیونیسم یاد می‌شود - برای دولت یهود از آسیب‌پذیری‌های نظامی و اقتصادی خطرناک‌تر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۹)

1. http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L_3481768,00.html

۵. شکاف‌های فرهنگی - اجتماعی

اکنون اکثر صهیونیست‌ها متوجه شده‌اند که مهم‌ترین ریسک اجتماعی امنیت‌محور در رژیم صهیونیستی - پس از تهدید داخلی اعراب - از نابرابری‌های اجتماعی و به‌ویژه تقسیم ناعادلانه فشارهای اجتماعی در طبقات مختلف اجتماعی ناشی شده است. این فشارهای ناعادلانه منجر به بروز و تعمیق شکاف‌های اجتماعی در رژیم صهیونیستی گردیده است.

اولین و مهم‌ترین شکاف اجتماعی، شکاف مذهبی و غیر مذهبی است. جامعه اسرائیلی برحسب ایدئولوژی مذهبی به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است. اختلافی اساسی میان افراد مذهبی و سکولار وجود دارد که بر سر نوع و شکل حکومت با یکدیگر درگیری دارند. گروه‌های مذهبی مختلف (چه صهیونیست و چه غیر صهیونیست) اسرائیل را یک کشور یهودی می‌دانند و اعتقاد دارند که حکومت باید براساس قوانین یهودی اداره شود؛ آنها خود را بیشتر یهودی می‌دانند و نه اسرائیلی؛ اما اسرائیلی‌های سکولار و ملی‌گرا هیچ نقشی برای مذهب در زندگی عمومی و سیاست قائل نیستند و خود را بیشتر اسرائیلی می‌دانند و نه یهودی. گرچه اکثریت جامعه اسرائیل را سکولارها تشکیل می‌دهد، ولی مهم این است که اقلیت ارتدوکس و مذهبی‌ها در پرتو اعتقادات سخت به آموزه‌های یهودی و نیز عمل‌گرایی افراطی، نقشی به مراتب پویا و فعال‌تر را نسبت به سایر گروه‌ها به خود اختصاص داده است. تا آنجا که اکثر دولت‌ها در طول تاریخ رژیم صهیونیستی نتوانسته‌اند در مقابل این اقلیت ارتدوکس و مذهبی بی‌تفاوت بمانند. تندروهای یهود نتوانسته‌اند قدرت حکومت را در دست بگیرند و واقعیت این است که مقام‌های دولت اسرائیل در مبارزه با آنها تلاش‌ها و منابع عظیمی صرف کرده‌اند و خود گاه تسلیم شده‌اند و گاه به مصالحه روی آورده‌اند. (آران، ۱۳۷۸: ۱۳۲) ولی بنیادگرایی و افراطی‌گری یهودی هیچ‌گاه رو به زوال نرفته است. این مسئله تا جایی است که برخی گفته‌اند در اسرائیل دو ملت وجود دارد که به دشواری زبان یکدیگر را می‌فهمند، و نگرانی‌های مشترک دارند. (آرمسترانگ، ۱۳۹۶: ۶۴۷)

۶. اقتصاد رژیم صهیونیستی

عوامل اقتصادی در تعیین قدرت دولت‌های داخل مجموعه منطقه‌ای نقش دارند و نیز در ثبات داخلی و انسجام آنها به‌عنوان نقش‌آفرینان صحنه سیاسی مؤثرند ... آنها می‌توانند همچنین بر چشم‌انداز هم‌گرایی منطقه‌ای اثر بگذارند که همین امر بر نحوه تحولات مجموعه مؤثر است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۲۹ - ۲۲۷)

گرچه در داخل بخش اقتصادی، تهدیدات اقتصادی اغلب اوقات جزو امور عادی هستند و به راحتی نمی‌توان آنها را با منطق امنیت ملی مرتبط ساخت، اما وقتی عواقب تهدید اقتصادی به فراسوی ماورای بخش اقتصاد، مثلاً به امور نظامی و سیاسی گسترش می‌یابد، آنگاه مسائل نسبتاً واضح‌تری از امنیت ملی

بروز و ظهور می‌یابد. ارتباطات موجود میان توانایی اقتصادی از یک سو و قابلیت‌های نظامی، قدرت و ثبات اجتماعی - سیاسی از سوی دیگر برقرار می‌باشد. رابطه بین قابلیت اقتصادی و نظامی بسیار و شناخته شده است. قابلیت نظامی دولت به توانایی تأمین کالاهای استراتژیک و داشتن پایگاه صنعتی برای حمایت از نیروهای مسلح، وابسته است. (همان: ۱۵)

در مورد اسرائیل هم این موضوع بسیار حائز اهمیت بوده که بتواند از طریق تأسیس کانال روابط با اعضای مجموعه منطقه‌ای غرب آسیا از میزان نامشروع‌انگاری آنها نسبت به این رژیم بکاهد و هزینه‌های نظامی خود را تعدیل کند. گرچه اسرائیل دارای اقتصاد نسبتاً قوی است، ولی برخی همانند «گیل مِروم»، در کنار محدودیت‌های اجتماعی، توزیع بین‌المللی قدرت، و زمان، اقتصاد را نیز جزو مهم‌ترین محدودیت‌های کلیدی استراتژی رژیم صهیونیستی قلمداد کرده‌اند. بنا به تعریف، پاسخ به تهدید در شرایط عدم تقارن شدید بدین معناست که استراتژی طرف ضعیف‌تر، توسط عامل اقتصاد محدود می‌شود.

ذکر این نکته کفایت می‌کند که در خلال سال‌های پس از جنگ ۱۹۷۳، بودجه دفاعی رژیم صهیونیستی تا ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی را شامل می‌شد و ۵۰ درصد بودجه این کشور را در برمی‌گرفت. آشکار است که تأمین درازمدت چنین سطحی از هزینه‌ها، مقدور نیست مگر با فدا کردن توسعه ملی و توان تأمین نیازهای امنیتی آتی. اکنون اما به لطف روابط روبه گسترش اسرائیل و اعراب بخصوص هم‌گرایی با سعودی‌ها این محدودیت‌های اقتصادی کاهش پیدا کرده است. گرچه هزینه‌های بالای جنگ مدرن همچنان این رژیم را به چالش می‌کشد؛ زیرا هزینه جنگ مدرن به مراتب از هزینه‌های جنگ سنتی بیشتر است.

اهمیت برخورداری از اقتصاد هنگامی برجسته‌تر می‌شود که توجه داشته باشیم، رژیم صهیونیستی با چالش مهمی به نام «زمان» مواجه است. زمان در استراتژی دفاعی - تهاجمی رژیم صهیونیستی از نقش فوق‌العاده مهمی برخوردار است. زیرا در بهترین شرایط هم، موفقیت‌های سیاسی و عملیاتی‌اش باید در کوتاه‌ترین بازه زمانی صورت گیرد. استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی می‌باید محدودیت‌های زمان محور را همواره در نظر داشته باشد. قدرت‌های دوست یا دشمن، احتمالاً رژیم صهیونیستی را کمی پس از شروع جنگ و درگیری، تحت فشار قرار خواهند داد. ظرفیت نظامی رژیم صهیونیستی مدت کوتاهی پس از شروع جنگ تمام‌عیار، به منابع تدارکاتی خارجی وابسته خواهد شد. در مواقعی خاص و پس از شروع جنگ، [دشمنان و] کشورهای عربی خواهند توانست با بسیج نیرو، قوای نظامی بیشتری را وارد صحنه نبرد کنند. اما اقتصاد رژیم صهیونیستی نمی‌تواند بسیج کامل قوا برای جنگ را به‌طور طولانی انجام دهد، مگر آنکه افت تولید را تجربه کند و از دست دادن بازارهای جهانی را بپذیرد و از این حیث خسارات سنگینی را متحمل شود. (مروم، ۱۳۹۲: ۳۴۹ - ۳۴۷)

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران، عربستان، و رژیم صهیونیستی سه ضلع قدرت در مجموعه امنیتی خاورمیانه محسوب می‌شوند. ایران به‌عنوان گرانیگاه محور مقاومت در این مجموعه امنیتی دارای قطبش می‌باشد. به این معنا که واحدهای دیگری را نیز راهبری می‌کند. در برابر محور مقاومت، دو رژیم سعودی و صهیونیستی خوشه امنیتی سازش را شکل می‌دهند. محور سازش را نیز واحدهای دیگری همراهی می‌کنند. پس مجموعه امنیتی خاورمیانه شاهد دو محور از واحدهای هم‌تافت است که هر کدام تلاش می‌کنند با اثرگذاری بر شیوه و میزان تقسیم قدرت و تعریف الگوهای دوستی و دشمنی، نقش مؤثرتری از رقیب در شکل‌دهی به گوهر وجودی خاورمیانه داشته باشد.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در کنار مؤلفه‌های منطقه‌ای، بینا منطقه‌ای، و سیستمی، سطح مستقلی را برای متغیر فروملی در شکل‌دهی به خوشه‌های هم‌تافت در نظر می‌گیرد. یعنی شیوه مناسبات داخلی در هر یک از واحدهای منطقه، ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات موجود در درون این سرزمین‌ها، موجبات هم‌گرایی و یا واگرایی، تشکیل و یا نقض هم‌تافت‌ها را فراهم می‌کند. در مورد دلیل همگرا شدن عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نیز این امر صادق است. هر دو رژیم در درون سرزمین و دولت خود ضعف‌هایی دارند که ممکن است زمینه نفوذ محور مقاومت را آماده نماید. از دیدگاه هر دو رژیم، این ضعف‌ها که شامل گسست‌های اجتماعی - فرهنگی - مذهبی، مشکلات اقتصادی، اختلافات در سطح حکمرانی، شکاف‌های سیاسی، ضعف‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی، و مسائل هویتی می‌گردد، ممکن است بقای آنها را به مخاطره بیندازد.

در نگرش سران سعودی و صهیونیستی، از آنجاکه چالش بقا، مهم‌ترین دغدغه هر دو دولت شمرده می‌شود، ضرورت هم‌گرایی دو رژیم کمترین تردیدی را به خود نمی‌بیند. هر دو رژیم در صدد هستند با هم‌گرایی در برابر ایران بسترهای خطرپذیر خود را در سطح فروملی ترمیم نمایند. برای نمونه ضعف اقتصاد تک‌محصولی سعودی با اقتصاد دانش‌بنیان صهیونیستی، و فقر منابع انرژی صهیونیستی با منابع انرژی سعودی قابلیت جبران دارد. نکته مهم این است که جمهوری اسلامی باید با اتخاذ سیاست خارجه فعالانه و پویا، اجازه ندهد ضعف‌های موجود در درون این دو نظام سیاسی با هم‌افزایی آنها برطرف شود. هر خروجی مثبتی که این هم‌گرایی برای رفع ضعف‌های داخلی دو رژیم داشته باشد، به‌معنای جدی شدن مناسبات رسمی آنها در سایر حوزه‌ها و در نتیجه ایجاد چالش‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی است. علاوه بر اینکه توفیق هم‌گرایی سعودی - صهیونیستی مشوقی برای سایر واحدهای سیاسی برای پیوستن به این ائتلاف خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. آران، گیدیون، ۱۳۷۸، *بنیادگرایی صهیونیستی یهود*، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس
۲. آرمسترانگ، کارن، ۱۳۹۶، *بنیادگرایی: پیکار در راه خدا در یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران، حکمت.
۳. اسدی، علی اکبر، ۱۳۹۰، «بیداری اسلامی در جهان عرب و امنیت رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۹۱-۱۱۴.
۴. اسدی، علی اکبر، ۱۳۹۷، «سیاست خارجی نوین عربستان سعودی؛ پیامدها برای قدرت منطقه‌ای ایران»، *ماهنامه آینده پژوهی*، ش ۵۴.
۵. افتخاری، اصغر و ابوالفضل بابایی، ۱۳۹۷، «تحلیل عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی (با تأکید بر نظریه جیمز روزنا)»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال نهم، ش ۳، ص ۷۷-۵۳.
۶. اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸، *توازن امنیت ملی اسرائیل پس از شصت سال: کنفرانس هشتم هرتزلیا سال ۲۰۰۸*، ترجمه حمید نیکو، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۷. بوزان، باری، ۱۳۷۸، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. بوزان، باری، ۱۳۸۸، *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. پورحسن، و همکاران، ۱۳۹۵، «موازنه همه‌جانبه و ائتلاف‌سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ش ۲۶.
۱۰. جعفری، انوش و حمیده قنبری، ۱۳۹۶، «بررسی اقتصاد و سیاست داخلی عربستان سعودی»، *پژوهش ملل*، ش ۲۲، ص ۱۵-۱.
۱۱. الجندی، کریم، ۱۳۹۳، *فرآیند تصمیم‌سازی در رژیم صهیونیستی: سازوکارها، نیروها و عوامل تأثیرگذار*، ترجمه حمانه کریمی کیا و محمدعلی پولادوندولی، تهران، مرکز مطالعات غرب آسیا.
۱۲. حاجی یوسفی، امیرمحمد، و سید محمدعلی حسینی‌زاده، ۱۳۹۷، «هویت، قدرت، امنیت؛ جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۲، ص ۴۲-۲۵.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین، ۱۳۸۶، «جنگ نامتقارن لبنان و امنیت ملی اسرائیل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۱، ش ۱، ص ۹۲-۵۷.
۱۴. زارعان، احمد، ۱۳۹۸، «تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان سعودی رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ش ۷۸.

۱۵. زارعی، سعدالله، ۱۳۹۵، «ریاض - تل آویو؛ بنیاد و نتایج مناسبات سیاسی و امنیتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۳۹۵.
۱۶. علیزاده موسوی، سید مهدی، ۱۳۹۰، «جریان‌های درون وهابیت»، *فصلنامه سراج منیر*، سال اول، ش ۴، ص ۱۹۴ - ۱۶۹.
۱۷. عنبری، موسی، ۱۳۸۸، *تطور مفهومی رصد فرهنگی*، تهران، مرکز مطالعات راهبردی.
۱۸. کاظمی، سید علی اصغر، ۱۳۷۰، *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل: تجربه جهان سوم*، تهران، قومس.
۱۹. کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۸۳، «امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، ش ۴، شماره مسلسل ۲۶، ص ۶۹۵ - ۶۶۹.
۲۰. کسینجر، هنری، ۱۳۹۶، *نظم جهانی: تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ*، ترجمه محمد تقی حسینی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. کاظمی و همکاران، ۱۳۹۵، «تحلیلی بر روابط راهبردهای عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۱۳، ش ۴۷.
۲۲. مرادی کلارده، سجاد، ۱۳۹۷، *اتحاد سعودی - صهیونی*، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۲۳. مروم، گیل، ۱۳۹۲، «معماری و ابعاد نرم استراتژی کلان رژیم صهیونیستی»، درج شده در کتاب: *منطق استراتژیک و عقلانیت سیاسی (استراتژی نظامی و کنترل سیاسی)*، ویراستاران برادفورد لی، و کارل والینگ، ترجمه عبدالرسول دیوسالار، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۴. میرحیدر، دره، ۱۳۵۴، *اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران، سیمرغ.
۲۵. النابلسی، محمد احمد، ۱۳۸۸، *تنفر یهودیان از خود*، ترجمه محمدرضا میرزاجان (ابوامین)، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۲۶. نصری، قدیر، ۱۳۸۳، «بافتار منطقه‌ای امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۲۴.
۲۷. نصری، قدیر، ۱۳۹۰، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، ش ۴، شماره مسلسل ۵۴، ص ۱۳۴ - ۱۰۵.
28. Buzan, Barry, 2004, *The United States and the Great Powers*, Cambridge, United Kingdom, Polity Press. ISBN 0 – 7456 -3375 - 7, 2004.
29. Buzan, Barry, Wæver, 2023, *Ole, Regions and powers: the structure of international security*, Cambridge, Cambridge University Press, ISBN 0 – 521 – 89111 – 6.
30. David, Steven, 1991, "Explaining Third World Alignment", *World Politics*, Vol. 43.
31. <http://worldpopulationreview.com/countries/israel - population>.
32. <http://www.vajehyab.com>
33. http://www.Ynetnews.com/articles/0,7340,L_3481768,00.html
34. <https://www.alef.ir/news/3980601005.html>
35. <https://www.timesofisrael.com>, Israel signed off on sale of phone spying tool to Saudi Arabia, by toi staff and AP, 9/12/2018.